مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۹،
دوره اول،
سال پنجم،
زمستان ۱۳۹۹،
صص ۵۵-۶۳

بررسی اختیارات، صلاحیت‌ها و وظایف نهاد سلطنت و نهاد رهبری در قوانین اساسی ایران

مریم جعفری[۱]، محمد سلمان طاهری[۲]

چکیده

قانون اساسی در جوامع مختلف به عنوان سند ملی، پذیرفته می‌شود، همچنین به دلیل اهمیت و عمومی بودن آن برای زمان‌های مختلف، این سند باید از استحکام کافی و لازم برخوردار باشد تا زمام‌داران به آسانی نتوانند آن را تغییر دهند، البته از سوی دیگر، عدم امکان ایجاد هرگونه تغییر در قانون اساسی نیز ممکن است از جوابگویی آن برای حل معضلات جامعه با توجه به نیازهای گوناگون آن بکاهد. به همین دلیل، معمولاً راه بازنگری، اصلاح، تتمیم، تغییر و نسخ قانون اساسی، باید در آن پیش بینی شده باشد. تا قبل از انقلاب اسلامی نیز نهادی مشابه ولایت فقیه در هیچ یک دوره‌ای حتی در قانون اساسی مشروطه پیش بینی نگردیده بود. مقایسه دو نهاد رهبری و سلطنت، ممکن است در نگاه اول این موضوع را به ذهن متبادر سازد که ولی فقیه نیز نهادی مشابه سلطنت است. اما ولی فقیه در مقام اجرای احکام اسلامی و رهبری کشور بایستی در کنار شایستگی اخلاقی، صلاحیت‌های لازم در امر کشورداری را داشته باشد و نظارت غیرمستقیم مورد بر این مقام و پاسخگو بودن وی در قبال مسئولیت‌ها در مقام رهبری ماهیتاً این نهاد را از پادشاهی متمایز می‌سازد. با مطالعه تطبیقی این دو نهاد می‌توان دریافت پادشاه مقامی غیردینی، نهادی موروثی و مادام‌العمر بوده و در بین افراد یک خاندان از فردی به فرد دیگر منتقل می‌گردد. اما ولی فقیه مقامی دینی است که براساس شرایط پیش بینی شده در قانون اساسی و در فرآیندی غیرمستقیم از سوی نمایندگان مردم انتخاب می‌شود رهبری از امتیازات ویژه برخوردار نبوده و از منظر دینی وظیفه‌ای سنگین تلقی شده و همانند سایر مردم در برابر قانون یکسان می‌باشد.

کلمات کلیدی: سلطنت، نهاد رهبری، صلاحیت، وظایف، قانون اساسی.

[۱]کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان maryamjafari @gmail.com

[۲]عضو گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی زنجان salmantaheri545yahoo.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

تدوین قانون اساسی به سال ۱۷۹۱ قرن هیجدهم میلادی برمیگردد تحولات این دوران در اروپا سبب شد تا پس از انقلاب کبیر فرانسه و تدوین قانون اساسی، کشورهای دیگر نیز به فکر تاسیس قانون اساسی باشند[۱]، با افزایش علم و آگاهی مردم به فکر دفاع از حقوق پایمال شده خود برآمدند و اینکه از حکومت استبدادی شاهان و دربار رهایی یابند و بتوانند در امور مملکت خود و زندگی خویش دخالت کنند و روابط اجتماعی خود با کشورهای دیگر را نظم بدهند و حکومت حکام را محدود و اختیارات آنهارا چارچوب بندی نمایند[۲]، رسیدن به یک دموکراسی و حکومت مردمی تنها با قانون اساسی و اجرای این قانون میسر خواهد شد. قانون اساسی هر کشوری بیان از ارزشها و فرهنگ و اعتقادات آن کشور می‌باشد در یک حکومت دموکراسی حقوق همه طبقات اجتماعی باید رعایت شود و همه مردم بتوانند در امور کشور دخالت کنند، برای داشتن یک کشور دموکراسی نیاز به حکمران خوب و عالم و آگاه است که بتوانند به خواسته‌های ملت جامه عمل بپوشانند. در این جستار ابتدا با مفهوم قانون آشنا می‌شویم و سپس پیدایش قانون اساسی در ایران و تطبیق این قانون با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیان مفهوم ولایت فقیه و ولایت فقیه مطلقه خواهیم پرداخت و لزوم وجود رهبر را از دید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و علما دینی بررسی خواهیم کرد. در این مقاله تلاش خواهیم کرد وجوه افتراق و اشتراک نهاد رهبری و نهاد سلطنت را با توجه به قوانین اساسی در تاریخ سیاسی ایران و نیز رویه عملی ۀنها را در بکارگیری از ابزارهای قانون اساسی را بررسی و تحلیل کنیم. امید آنکه مورد توجه جامع علمی و دانشگاهی قرار گیرد و نقای‌ص آن را به بزرگواری خویش برما ببخشائید.

۱-تکالیف و اختیارات نهاد سلطنت در قانون اساسی مشروطه

نهاد حکومت در قبل از مشروطیت، دست سلطنت بود، و خاندان سلطنتی به زور و به ترتیب حکومت و پادشاهی را از صاحب قبلی گرفته و تصاحب می‌کردند که حکومت پادشاهی در ایران در مراحل ذیل معمولا طی می‌شد.

الف – عدم چرخش قدرت:

[۱] ورعی ، سید جواد ، مبانی ومستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، چ اول ،۱۳۸٦،ص ۳۱

[۲] قاضی شریعت پناهی ، ابوالفضل ، مقاله (قانون اساسی ، سیر مفهوم و منطوق از دید تطبیقی ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ش ۲۸،ص ۳۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قدرت به طور مطلق در اختیار خاندان سلطنتی قرار داشت که به طور موروثی و یا در اثر جنگ و خونریزی تصاحب می‌کردند و مردم عادی توان به قدرت رسیدن در حکومت و دستگاه‌های حکومتی را نداشتند و سلطنت بین خاندان و اشراف می‌چرخید.

ب: تمرکز قدرت حاکمیت:

در تاریخ حکومت ایران در قبل از مشرطه نوعی تمرکز قدرت حاکم بود که در دست شاه و سلطنت بود و شاه تنها قدرت تصمیم گیرنده در مملکت بود و همه امور در دست شخص شاه بود. این تمرکز قدرت از توسعه سیاسی مردم جلوگیری کرده بود و مردم هیچ فعالیت سیاسی نداشتند و در هیچ زمینه‌ای مشارکت نداشتند.

ج: فقدان چارچوب‌های قانونی حاکمیت:

عدم وجود قانون و چارچوبهای قانونی برای حکومت سبب شده بود شخص پادشاه تصمیم گیرنده در همه امور مملکت بود وهیچ قانونی برای محدود کردن این قدرت نبود و پادشاهان دارای اختیار مطلق بودند سلطنت نامشروط داشتند و قدرت نامحدود داشتند.

د: عدم امنیت حقوقی در جامعه: حکومت استبدادی فاقد هرگونه محدودیتی بود و همین باعث شده بود امنیت حقوقی کشور ازبین رفته بود و هر گونه که میخواستند برخورد میکردند و مخالفان خودرا سر کوب میکردند و سبب ناامنی اجتماعی در جامعه بودند.

۲-تکالیف و اختیارات نهاد رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اختیارات رهبری در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است البته این موارد ذکر شده در قانون اساسی فقط میتوان گفت بخشی از وظایف رهبری در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد چرا که رهبری ولی فقیه مطلقه در شرایط دیگر جهت مصلحت عمومی و جامعه و اجرای قوانین اسلامی ممکن است ضرورت پیدا کند قوانین دیگری را وضع کند و در موارد مختلف در صورت نیاز ورود نماید.

۲-۱-مسئولیت ولایت مطلقه فقیه:در قانون اساسی ایران، حاکمیت الهی و حکومت دینی است، و بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این حاکمیت و رهبری از طریق قوانین و احکام اسلام و ولایت فقیه مطلقه اجراء می‌شود. از آنجا که قانون اساسی هر کشوری اساس آن جامعه را نشان می‌دهد باید مصون از هرگونه بازنگری وتغییر باشد ونتوان به راحتی آ نرا تغییر داد مگر تحت قوانین خاص و در شرایط خاص نیاز به اصلاح و بازنگری باشد، نظریه ولایت فقیه در جمهوری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اسلامی ایران به حق یکی از مهمترین پایه واساس نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت امام زمان (عج)دانست، اهمیت و ضرورت ولایت فقیه به سبب خون هزاران شهید و جوانانی که برای حفظ آرمانهای ولایت به دست آمده است. این نظام که ویژگی خاص آن اسلامی بودن است یک نظام سیاسی، اجتماعی می‌باشد. طبق قانون اساسی این حاکمیت از طریق قوانین الهی و رهبری دینی (ولایت فقیه) اعمال می‌شود [۱]. همه اختیاراتی که برای امام معصوم (ع) به عنوان ولی امر جامعه جامعه اسلامی ثابت است. برای فقیه نیز ثابت است و ولی فقیه ازاین نظر هیچ حد و حصری ندارد مگر آن که دلیلی اقامه شود که برخی از اختیارات امام معصوم به ولی فقیه داده نشده است ولایت فقیه با ولایت امامان و معصوم (ع) هیچ تفاوتی ندارد واین همان چیزی است که از آن به ولایت فقیه مطلقه بیان می‌شود وطبق فرموده امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (ولایت فقیه همان ولایت رسول(ص)) است.[۲]

۲-۲-تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آنها

تعیین سیاستهای کلی نظام، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام درحال حاضر، این سیاست‌ها تحت عنوان چشم انداز بیست ساله تهیه وبرای اجراء به دست مسئولان ابلاغ شده است[۳]. مقام معظم رهبری طی حکمی در ۱۳۷۹/۱۱/۳ برای ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، نظارت برحسن اجرای این سیاست هارا نیز به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرده است. اینجانب با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی نظارت برحسن اجرای سیاست‌های ابلاغی را برعهده مجمع تشخیص مصلحت نظام نهاده ام، و آن مجمع مؤظف است با ساز وکار مصوب، نظارت خود را به اینجانب ارائه کند[۴]. تعیین سیاست‌های کلی نظام که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی بیان شده است طوری بیان شده که بتواند به کلیه قوانین و برنامه‌ها و دستگاه‌های مختلف و سازمان‌ها و قوای مربوطه نوعی استحکام و نظم بخشد که ایجاد دادگاه قانون اساسی می‌تواند دلیلی باشد بر اجرای سیاستهای کلی نظام، تا در صورت مغایرت و اختلاف بتواند محل مناسبی برای رجوع باشد.

۲-۳- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه

در متون حقوقی (حل اختلاف) بنا بر استعمال این کلمه میتواند برداشت‌های مختلفی را دربرداشته باشد و مفهوم آن ناظر به وقوع یک اختلاف، تضاد، تعارض، مغایرت، یا چالش است لذا تا اختلافی پیش نیاد حل اختلاف به وجود نمی‌آید[۵]. حل

---

[۱] اصل ۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

[۲] مصباح ، یزدی ، محمد تقی ، نگاهی گذرا به ولایت فقیه ، نتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۹۳ ص ۱۰۴

[۳] نظرپور ، مهدی ، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ،۱۳۹۱ نشر معارف ، ص ۹۹

[۴] بشیری ، عباس ، پیشینه و کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام ،ص ۶۸و۶۹

[۵] وندل ، ریچارد ، راههای حل مسالمت آمیز یک اختلاف ترجمه علیرضا طیب، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی ،اقتادی ، شماره ۲۸ بهمن واسفند ۱۳۶۷،ص۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اختلاف با قانون مداری هم در ارتباط است. در جامعه‌ای که نظام‌های موجود در آن مبتنی بر اصول دموکراتیک و قانون گرایی است، مسئله حل اختلاف نیز صورت واقعی خودرا متبلور می‌سازد در این بستر حل تعارض و حل و فصل اختلافات، مبانی حاکمیت قانون و بهبود ساختار دموکراتیک را تسهیل می‌نماید[1].

۲-٤-حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست

مواقعی پیش میاید که نظام سیاسی کشور دچار مسائل و اختلافات و معضلاتی می‌شود که با قوانین عادی این عظلات قابل حل نمی باشد، در اینجا که در قانون اساسی و قوانین عادی پیش بینی نشده است، بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب ۱۳٦۸ بیان کرده است که حل این معضلات ازطریق مجمع تشخیص مصلحت نظام برعهده رهبر است.

۲-۵-انتصاب ریاست قوه قضائیه

براساس قسمت ب بند ششم از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، نصب، عزل و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه که عالی ترین مقام این نهاد می‌باشد بر عهده رهبری است. که اصل ۱۵۷ قانون اساسی نیز آن را تصریح کرده است[2].

۲-٦-عفو تخفیف مجازات محکومین

به موجب بند یازده اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، عفو و تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، از اختیارات مقام رهبری است. لذا رئیس این قوه در مناسبتهای مختلف سال، فهرستی از واجدان شرایط را با کمک همکاران خود در این قوه تهیه کرده و پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات آنها را به مقام رهبری ارسال میکند. که پس از تایید وتصویب ایشان، افراد مزبور شامل عفو و تخفیف خواهند بود[3].

۲-۷-فرماندهی کل نیروهای مسلح

برابر بند ٤ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح با رهبر است. مقام رهبری به کل امور و شئون نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی:

الف-عزل، نصب فرماندهی عالی نیروهای مسلح

---

[1] بلومفیلد ، دیوید ، استراتژی های حل اختلاف ، عدالت و صلح گرایی مکمل ویا متضاد یکدیگرند ؟ترجمه زرین شجری ، فصلنامه سیاست خارجی شماره ۸۰، زمستان ۱۳۸۵،ص ۹۳۵

[2] نظرپور ، مهدی ، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، نشر معارف ، ۱۳۹۱،چ پانزدهم ،ص ۱۰۱و۱۰۲

[3] همان ص ۱۰۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ب-اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها:

تصمیم اعلان جنگ وصلح یک امر پر مخاطره‌ای است که اتخاذ این تصمیم توسط افراد ممکن است نتایج غیرقابل جبرانی را به بار آورد[۱] که اضرار زیادی به بشر وارد کند. قانون اساسی فرماندهی کل نیروهای مسلح را برعهده فرماندهی کل نیروهای مسلح قرار داده [۲]و حق اعلان جنگ را نیز بر اساس همین ماده در انحصار مقام رهبری قرار داده است[۳].

۲-۸-امضا حکم ریاست جمهوری

براساس بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، امضای حکم ریاست جمهوری با رهبری است، زیرا مشروعیت نظام حقوقی ایران مبتنی بر اسلامی بودن آن می‌باشد[٤] و در رأس جمهوری اسلامی ایران ولی فقیه قرار دارد که اعمال ولایت و مشروعیت برعهده رهبر می‌باشد. لذا مفهوم امضاء یعنی تنفیذ و تأیید می‌باشد[٥].

۲-۹- وظایف و اختیارات دیگر رهبری از قبیل

۱- نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صداوسیما: برپایه اصل ۱۷۵ و قسمت ج بند شش اصل ۱۱۰ قانون اساسی، با مقام رهبری است[٦].

۲- تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

۳- دستور بازنگری در قانون اساسی

نتیجه گیری

رسیدن به آزادی و در فطرت بشری نهفته است، و این اندیشه آزادی بود که بوجود آمد و به دنبال خود دموکراسی را بوجود آورد، نتیجه مهمی که از آزادی گرفته شد این بود که: در مقام نظم بخشیدن به رابطه دولت و مردم و تفسیر و اجرای قوانین، هر جا که اختلافی در حدود تکالیف یا اختیار مقام‌های حکومت ایجاد شود باید آن را به سوی «اصل آزادی» تعبیر کرد[۷] و همین هدف رسیدن به دموکراسی شروع یک زندگی بن ظلم و استبدادی و دیکتاتوری در جهان

---

[۱]هاشمی ، سید محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ،جلد اول اصول و مبانی کلی نظام ، چاپ چهاردهم ، زمستان ۱۳۹٦

[۲]اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری

[۳]اصل اصل ۱۱۰

[٤]نظرپور ،مهدی ، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ص ۱۲٦ ،

[٥]نجفی ، اسفاد ، مرتضی ، و محسنی ، فرید ، چقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، ص ۲۸۹ و ۲۹۰

[٦]همان ص ۱۰

[۷]کاتوزیان ، ناصر ، ج ششم ، زمستان ۱۳۹۵، ص ٤۲۸نشر میزان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

انجامید و سبب شد تا انسانها برای رسیدن به این هدف، که روزی همه جهان از ظلم وستم حاکمان رهایی یابند به پا خواستند و جنگیدند. برای داشتن یک حکمرانی خوب باید حکومت مشروعیت و مقبولیت داشته باشد[۱]. ژان ژاک روسو می‌گوید «قویترین هم هیچگاه آنقدر قوی نیست که حاکم باشد مگر آنکه قدرت به حق و فرمانبرداری را به وظیفه تعبیر کند»[۲] در نظام سلطنت آزادی مردم گرفته شده بود وحکومت یک امر موروثی بین خاندان سلطنتی شده بود که قدرت بین آنها می‌چرخید و دیگر مردم حق شرکت در دستگاه را نداشتند وهمین امر سبب شده بود که مردم در امور سیاسی غیر فعال بودند. حکومت دیکتاتوری مطلق سبب شده بود تا فقط شکل ظاهری قانون اساسی مشروطه باقی مانده بود و اجرای قوانین همه در اختیار شاه بود و همین امر سبب بروز تظاهرات مردمی و اعتراضات مردم شد که نتیجه آن رسیدن به حکومت جمهوری اسلامی ایران بود به رهبری ولی فقیه مطلقه امام خمینی (قدس سره). ما قانون اساسی ایران را قبول داریم و درصد زیادی از مردم به آن رأی داده‌اند و به تأیید و امضای ولایت فقیه مطلقه می‌باشد و اعتقاد، قانون اساسی در این است که ولایت فقیه مطلقه نائب امامان معصوم در زمان غیبت می‌باشد و امامان معصوم هم از جانب خداوند برگزیده شده‌اند پس نماینده امامان باید همان اختیاراتی را داشته باشد که به آنهاذ بر اساس احکام اسلامی داده شده است و لذا رهبر و ولی فقیه مطلقه اختیارات مطلق و کامل در امور کشور و امور احکام اسلام دارد. که در قانون اساسی آمده و حصر اختیارات رهبری را نپذیرفته است که بخاطر مصلحت عمومی و اجرای قوانین اسلامی می‌باشد. قانون اساسی اساسی وظایف و اختیارات رهبری رادرشرایط عادی برشمرده و ممکن است حتی دراین شرایط نیاز هم نباشد از همه آنها رهبر استفاده نماید ولی درصورت بروز شرایط اضطراری درجامعه رهبراختیارات تام دارد تا تصمیم‌هایی را اتخاذ نماید که حتی در قانون اساسی به صراحت بیان نشده باشد[۳].

منابع

۱- بشیری، عباس، پیشینه وکارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ٦٨و ٦٩

۲- بلومفیلد، دیوید، استراتژی‌های حل و اختلاف، عدالت و صلح گرایی مکمل ویا متضاد یکدیگرند ؟ترجمه زرین شجری، فصلنامه، سیاست خارجی، شماره ۸۰ زمستان ۱۳۸۵، ص۹۳۵

۳- ذکریا، فرید، آینده آزادی، ناشر طرح نو، چ دوم ۱۳۸۵، ص ۲۹و۳۱۲

[۱] ذکریا ، فرید ، آینده آزادی ص ۲۹

[۲] همان ص ۳۱۲

[۳] مصباح یزدی ،نگاهی گذرا به ولایت فقیه ، چ سی و دوم ، ص ۱۱۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٤- سلطانی محمد مهدی، باباپور گل افشان، محمد مهدی، بررسی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران – فرآیند ودلایل تأخیر آن، فصلنامه گروه تخصصی گروه علوم سیاسی، علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دوره ۱۲، ش۳۵، ۱۳۹۵ تابستان.

۵- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، مقاله: قانون اساسی، سیر مفهوم ومنطوق از دید تطبیقی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش۲۸، ص ۳۱

٦- قانون اساسی جمهوری اسلامی،

۷- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چ ششم، زمستان ۱۳۹۵ ناشر میزان، ص ٤۲۸

۸- مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به ولایت فقیه، چ سی و دوم، انتشارات موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (قدس سره)ص۱۱۷و۱۰٤

۹- نجفی اسفلد، مرتضی، و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۸۹ و۲۹۰و۱۰

۱۰- نظر پور، مهدی، آشنایی با قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر معارف، ۱۳۹۱، چ پانزدهم، ص ۱۰۱، و ۱۰۲ و۹۹

۱۱- ورعی، سید جواد، مبانی ومستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۸٦، ص ۳۱

۱۲- وندل، ریچارد، راه‌های حل مسالمت آمیز یک اختلاف، ترجمه علیرضا طیب، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸، بهمن واسفند ۱۳٦۷،ص۹

۱۳- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول اصول ومبانی کلی نظام، چ چهاردهم، زمستان ۱۳۹٦،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

Examining the powers, competencies and duties of the institution of the monarchy and the institution of leadership in the constitutions of Iran

Maryam Jafari[1]

Dr. Mohammad Salman Taheri[2]

Abstract

The constitution is accepted as a national document in different societies. Also, due to its importance and publicity for different times, this document must be strong and necessary enough so that the rulers can not easily change it. On the other hand, the impossibility of making any change in the constitution may also reduce its accountability for solving the problems of the society according to its various needs. For this reason, the way of revising, amending, supplementing, changing and abrogating the constitution should usually be foreseen. Prior to the Islamic Revolution, an institution similar to Velayat-e-Faqih had not been envisaged in any period, not even in the constitution. A comparison of the two institutions of leadership and monarchy may, at first glance, suggest that the supreme leader is an institution similar to the monarchy. However, the Supreme Leader in the implementation of Islamic rules and the leadership of the country, in addition to moral competence, must have the necessary competencies in governance, and the indirect supervision of this official and his accountability for responsibilities as a leader inherently distinguishes this institution from the kingdom.. By comparative study of these two institutions, it can be obtained that the king is a secular authority, an inherited institution and a lifelong one, and is transferred from one person to another among the members of a family. But Vali-e-Faqih is a religious authority who is elected by the people's representatives based on the conditions provided in the constitution and in an indirect process. Leadership does not have special privileges and is considered a heavy duty from a religious point of view and is equal to other people before the law.

Keywords: monarchy, leadership institution, competence, duties, constitution.

[1] Master of Public Law, Islamic Azad University, Zanjan Branch
Email: maryamjafari @gmail.com
[2] Member of the Law Department of the Islamic Azad University, Zanjan Branch
salmantaheri545yahoo.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]